

فصلنامه اقتصاد و الگوسازی
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۸
Quarterly Journal of Economics and Modelling
Shahid Beheshti University

تحلیل اثرات جهانی شدن بر کسری بودجه دولت‌ها:

رهیافت همسان‌سازی

سید کمیل طیبی*، علیرضا کامالیان**، علی سرخوش سرام***، مصطفی مبینی دهکردی****

تاریخ پذیرش
۱۳۹۸/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت
۱۳۹۷/۰۹/۲۳

چکیده

در فرآیند جهانی شدن، مناسبات مختلفی مانند توسعه روابط مالی بین کشورها را می‌توان در نظر گرفت که از جمله‌ی آن‌ها جهانی شدن مالی است. جهانی شدن مالی مفهومی است که به افزایش ارتباطات جهانی از طریق گسترش جریان‌های مالی بین‌المللی و سرمایه‌های اشاره دارد. بنابراین می‌توان گفت هرگونه ارتباط مالی کشورها که با رویکردهای متفاوت منجر به گسترش ارتباطات جهانی شود، جهانی شدن مالی را توسعه می‌بخشد. این پژوهش به این موضوع پرداخته است که چگونه سیاست‌های یکپارچه‌سازی مالی بر هزینه‌ها و درآمدهای دولت‌های منتخب تأثیر گذاشته و برآیند این اثرات بر کسری بودجه و بدهی عمومی دولت چه اندازه است. در این راستا کسری بودجه ۱۶۵ کشور عضو و غیر عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۱۵ از طریق رهیافت همسان‌سازی (مچینگ) در ارزیابی برنامه که با استفاده از ضریب تمایل و وزن‌های کرنلی اجرا گردیده، با یکدیگر مقایسه شده‌اند. برای خالص کردن اثرات جهانی شدن مالی بر بدهی عمومی و جدا کردن تأثیر بقیه‌ی متغیرها، عوامل مؤثر دیگر مانند تولید داخلی سرانه، مخارج دولت، مالیات‌ها و آزادسازی تجاری به‌عنوان میج در نظر گرفته شده‌اند. نتایج به دست آمده بر این دلالت دارند که جهانی شدن مالی باعث افزایش کسری بودجه می‌گردد که از علل این تأثیر می‌توان به اجبار دولت‌ها به کاهش مالیات‌ها از جمله مالیات بر سرمایه برای جلوگیری از فرار سرمایه و همچنین دسترسی آسان‌تر دولت‌ها به بازارهای مالی بین‌المللی برای تأمین مالی مخارج و در نتیجه اخذ وام‌های بیشتر اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی برنامه، جهانی شدن مالی، کسری بودجه، بدهی دولت، همسان‌سازی.

طبقه‌بندی JEL: H63 F36 E52. C21

sk.tayebi@ase.ui.ac.ir

* استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

alireza1364kamalian@gmail.com

*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)

alisarkhosh1988@gmail.com

**** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

mostafa.dehkordi@gmail.com

۱. مقدمه

بسیاری از متفکران اقتصادی مانند اوروک^۱ و ویلیامسون^۲ معتقدند اولین حرکت در جهت جهت جهانی شدن اقتصاد به اواخر قرن نوزده میلادی برمی‌گردد. در یک تقسیم‌بندی نوین، جهانی شدن اقتصاد را می‌توان دارای سه محور اساسی دانست: افزایش تجارت جهانی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سایر جریان‌های سرمایه، و تحولات تکنولوژیکی (دادگر و نظری، ۱۳۸۷). از طرف دیگر امروز برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی در تمامی کشورها تا حدود زیادی به میزان تعامل اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی بستگی داشته و متأثر از فرآیند پدیده جهانی شدن اقتصاد است. اگر جریان بین‌المللی سرمایه جهانی برای توسعه اقتصاد ملی اهمیت داشته باشد، و اگر جهانی شدن مالی به سیاست‌های پولی و مالی غیر صحیح پاسخ منفی بدهند، دولت‌ها ممکن است مجبور به اتخاذ و اجرای بعضی از سیاست‌های اقتصادی از بین سیاست‌های موجود شوند. این نکته‌ای است که به‌وسیله فیشر^۳ (۱۹۹۸)، ابستفلد^۴ (۱۹۹۸) و استگلitz^۵ (۲۰۰۰) نیز تأیید شده است. اما نتایج تیتیل و ژین‌وی^۶ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که اگرچه از لحاظ نظری جهانی شدن بر "نظم و انضباط" سیاست‌ها مؤثر است اما از نظر تجربی به دست آوردن شواهد محکمی برای آن آسان نیست. هرچند که بعضی شواهد وجود دارد که جهانی شدن مالی ممکن است کشورها را وادار به دنبال کردن سیاست‌های کاهش تورم کند، اما هیچ شواهدی مبنی بر این که کشورها را به سیاست‌های کاهش کسری بودجه تشویق کند وجود ندارد. برخی از اقتصاددانان نیز مانند باگواتی^۷ (۱۹۹۸)، رودریک^۸

-
1. Oroukke
 2. Williamson
 3. Fischer
 4. Obstfeld
 5. Stiglitz
 6. Tytell and Jin Wei
 7. Bhagwati
 8. Rodric

(۱۹۹۸) و استیگلیتز (۲۰۰۲) افزایش آزادسازی حساب سرمایه و جریان نامحدود سرمایه را به‌عنوان یک مانع جدی برای ثبات مالی جهانی مشاهده می‌کنند.

بدین لحاظ فعالیت‌های دولت‌ها نیز در کشورها در راستای تعامل یا عدم تعامل دولت‌هایشان با جهانی‌شدن، دستخوش تغییراتی شده است؛ زیرا که بر اساس منطق جهانی‌شدن، دولت‌ها باید نسبت به کوچک‌سازی خود و واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی و اصولاً ایجاد و گسترش فضای رقابتی اقدام نمایند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱). در مقابل، فراهم کردن زمینه حضور برای بخش خصوصی و روان‌سازی در امور تجاری، کارکرد و نقش جدیدی را برای دولت‌ها نسبت به قبل ایجاد می‌کند که می‌تواند باعث افزایش فعالیت‌های دولت شود (درهر^۱، ۲۰۰۶). از نظر بعضی از اقتصاددانان ادغام بازارها یکی از وجوه بارز جهانی‌شدن است که اثربخشی سیاست‌های دولت در داخل کشور را کاهش می‌دهد و برای کاهش عمل‌گرایی دولت فشارهای رقابتی وارد می‌کند (السینا و پروتی^۲، ۱۹۹۷). از نظر استیگلیتز (۲۰۰۳) در شرایط جهانی‌شدن نمی‌توان قضاوت کرد، دولت کوچک‌تر یا بزرگ‌تر می‌شود بلکه وظایف جدیدی برای دولت به وجود می‌آید و دولت باید هزینه‌های نوسازی و سازگاری با جهانی‌شدن را بپردازد.

از سوی دیگر امروزه ادغام بازارها و تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری یکی از جنبه‌های اصلی جهانی‌شدن است. روند رو به رشد و تکامل منطقه‌گرایی در سه دهه اخیر موجب شده است که بسیاری از کشورها به بهره‌برداری مناسب از امکانات اقتصاد جهانی تمایل زیادی نشان دهند. در عرصه نظام بین‌الملل نیز تمایل دولت‌ها به سمت تشکیل اتحادیه‌ها و بلوک‌های اقتصادی و تجاری بیشتر شده است. اشتراکات اقتصادی و دیگر عوامل وحدت بخش، این امکان را به دولت‌ها می‌دهد که از منابع، امکانات و مزیت‌های یکدیگر بهره‌گرفته و به توسعه اقتصادی کشور خود کمک کنند. اما علیرغم این

1. Dreher
2. Alesina and Perotti

مزیت ها، ادغام ها و تشکیل اتحادیه‌ها می‌تواند مشکلاتی مانند کاهش درآمد مالیاتی، کاهش درآمدهای تعرفه‌ای، کسری بوجه دولت و تورم و در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی و ... را به دنبال داشته باشد. از آنجا که کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ (OECD) از سطح روابط تجاری و مالی بالایی برخوردارند و به‌ویژه نقش اساسی را در تکوین مناسبت‌های تجارت جهانی بازی می‌کنند، در این پژوهش به آن‌ها توجه شده است. در این باره پاسخ به سؤال‌های پژوهش درباره‌ی کشف اثرات عضویت کشورها در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و در نتیجه آن آزادسازی مالی و تجاری به‌عنوان یکی از ابعاد جهانی‌شدن بر کسری بودجه می‌تواند درس‌هایی را برای کشورهای دیگر و به‌ویژه ایران به دنبال داشته باشد، تا بتوانند در زمان الحاق به سازمان‌های اقتصادی و تجاری اثرات منفی آن را کاهش دهند.

در ادامه این بعد از ارائه مبانی نظری و پیشینه تحقیق در بخش چهارم روش پژوهش بیان شده است. در بخش پنجم الگوی پژوهش برآورد و نتایج حاصل از آن تحلیل شده است. در نهایت بخش آخر مقاله به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق اختصاص داده شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. جهانی‌شدن و فعالیت‌های دولت

در مورد نحوه تأثیر جهانی‌شدن اقتصاد بر نقش دولت مطالعات تجربی مانند درهر (۲۰۰۶) و گمل و همکاران^۲ (۲۰۰۸)، در بررسی‌های و تحلیل‌های خود بر دو فرضیه متمرکز شده‌اند: فرضیه کارایی^۳ و فرضیه جبران^۴. در فرضیه کارایی استدلال می‌شود که اقتصاد وظایف تصدی‌گری دولت‌ها را کاهش می‌دهد و شرایط اقتصادی را با حضور بیشتر بخش

1. Organization for Economic Co-operation and Development

2. Gemmell et al

3. Efficiency Hypothesis

4. Compensation Hypothesis

خصوصی رقابتی‌تر می‌کند و لذا از هزینه‌های دولت کاسته خواهد شد و ترکیب مخارج دولت در جهت تولیداتی که توسط بخش خصوصی مولدترند، تجدید ساختار شده و دولت کارآمدتر می‌شود؛ که این به معنی کمتر شدن مخارج دولت است. این فرضیه نخستین بار توسط آلسینا و پروتی^۱ (۱۹۹۷) ارائه شده است. اصل نظریه کارایی بر این استوار است که مخارج دفاعی دولت و مخارجی مانند حقوق مالکیت یا دیگر کالاهای عمومی اساسی دیگر، موجب کاهش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان کشور در برابر بازارهای کالا و خدمات خارجی می‌شود. بدین ترتیب، که اغلب مخارج دولت از طریق استقراض در کوتاه‌مدت تأمین شده که در بلندمدت موجب افزایش مالیات خواهد شد. افزایش مالیات موجب خروج صاحبان دارایی خواهد شد و اگر سیستم مالیاتی تصاعدی باشد، این اثر تشدید خواهد یافت. استقراض نیز با افزایش نرخ بهره، موجب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین طبق نظریه کارایی، بین تجارت و مخارج رابطه منفی وجود دارد. در مقابل در فرضیه جبران، استدلال می‌شود که جهانی شدن اقتصاد خطراتی را برای جامعه و اقتصاد ملی ایجاد و موجب وارد آوردن فشارهایی به دولت‌ها برای گسترش بخش عمومی است. دولت‌ها برای مقابله و کاهش این خطرات آماده هزینه کردن بیشتر هستند. لذا هزینه‌های دولت در تعامل با جهانی شدن روند افزایشی را دنبال خواهد کرد و امکان کسری بودجه دولت‌ها افزایش می‌یابد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

همچنین در نظریه‌های جدیدتر مانند اپیفانی و گانسیا^۲ (۲۰۰۹) از بعد دیگری به رابطه بین درجه باز بودن تجاری (شاخص جهانی شدن اقتصاد) و اندازه دولت پرداخته شده است. در الگوهای ارائه شده توسط این پژوهشگران که بر اساس الگوی سیاست‌های مالی و غیرتعاملی در اقتصادهای باز بنا شده است، کشورهای تجارت‌کننده تمایل به دولت‌های بزرگ‌تر دارند، زیرا در اقتصادهای باز، بخشی از هزینه‌های مالیاتی به خارجیان منتقل

1. Alesina and Perotti
2. Epifani and Gancia

می‌شود که از آن به‌عنوان اثرات خارجی رابطه^۱ نام می‌برند. از آنجاکه دولت‌ها به‌صورت غیرتعاملی با یکدیگر رفتار می‌کنند، هزینه‌های مالیاتی را که تجارت به خارجیان تحمیل می‌کند درونی سازی نکرده و از مالیات‌های داخلی نمی‌کاهند بنابراین به ادغام بازارها با افزایش مخارج عمومی واکنش نشان می‌دهند. در این راستا طیب نیا و زندیه (۱۳۸۸) نشان می‌دهند جهانی‌شدن باعث شده رونق و رکود شرکای تجاری ایران، به کشور ایران نیز منتقل شده و تورم داخلی را متأثر نماید.

۲-۲. جهانی‌شدن و کسری بودجه دولت

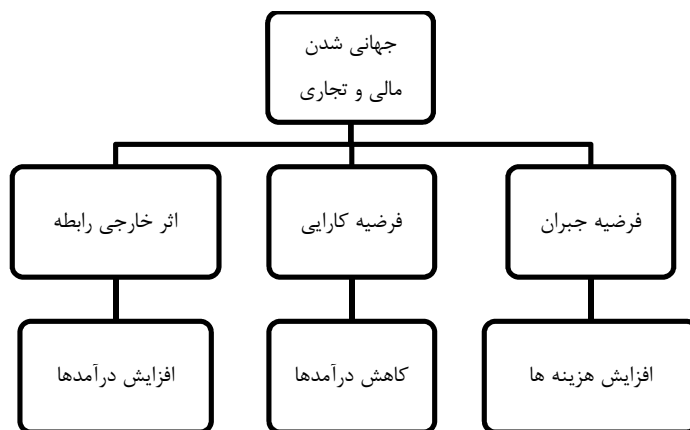
از نظر تعدادی از محققان مانند گرت و میچل^۲ (۲۰۰۵)، کیتل و وینر^۳ (۲۰۰۵) جهانی‌شدن مالی باعث کاراتر و کم‌تر شدن مخارج دولت و در نتیجه کسری بودجه کمتر دولت‌ها می‌شود. آن‌ها استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن و به‌خصوص جهانی‌شدن مالی وظایف تصدی‌گری دولت را کاهش داده و شرایط اقتصادی را با حضور بیشتر بخش خصوصی رقابتی‌تر می‌کند بنابراین از طرفی هزینه‌های دولت کمتر شده و از طرفی دیگر امکان افزایش درآمدهای دولت وجود خواهد داشت در نهایت این فرآیند کسری بودجه دولت‌ها و بدهی‌های دولت‌ها را کاهش می‌دهد. با این وجود اگرچه کشورهای عضو یورو در طول یک دوره تا قبل از سال ۲۰۰۷ از یک ثبات مالی برخوردار بودند، اما نرخ بهره پایین ناشی از جهانی‌شدن بازارهای مالی و تجاری منجر به استقراض بیشتر دولت‌ها گردید و در نتیجه بعضی از کشورها کسری‌های بودجه مداوم را با توجه به دسترسی آسان به وام دنبال کردند که در نهایت باعث ایجاد حباب‌های تورمی در برخی از کشورهای عضو گردید (سید علی اکبر، ۱۳۹۱).

اگرچه از لحاظ تاریخی پویایی کسری بودجه و بدهی عمومی در ارتباط نزدیک با تأمین

-
1. External Effects
 2. Garrett and Mitchell
 3. Kittel and Winner

مالی جنگ و نوسانات چرخه کسب‌وکار است و نظریه هموارسازی مالیاتی^۱ بارو^۲ (۱۹۷۹) یک دلیل منطقی برای چنین پویایی‌هایی فراهم می‌کند. با این حال، تفسیر روند رو به بالای کسری بودجه و بدهی‌های عمومی از سال ۱۹۸۰ با نظریه هموارسازی مالیاتی مشکل است. زیرا این دوره به‌عنوان دوره‌ای نسبتاً آرام (بدون جنگ) و بدون نوسان شناسایی شده و در عوض در طول این دوره بازارهای بین‌المللی سرمایه آزادتر شده‌اند. در این راستا آزمونتی و همکاران^۳ (۲۰۱۱) نتیجه می‌گیرند که ادغام بازارهای مالی در سطح بین‌المللی سطوح بالاتر کسری بودجه و در نتیجه بدهی عمومی بیشتری را برای کشورها به دنبال دارد. از نظر آن‌ها مکانیسم اصلی این کار، کشش نرخ بهره نسبت به عرضه بدهی‌های عمومی در شرایط جهانی شدن مالی است. زیرا در این حالت، تقاضا برای بدهی‌های دولت هم از طرف سرمایه‌گذاران داخلی و هم خارجی وجود داشته و بنابراین نرخ بهره کمتر نسبت به بدهی کشور حساس شده و دولت‌ها تمایل بیشتری به افزایش بدهی دارند. این مکانیسمی است که از طریق آن جهانی شدن مالی موجب بدهی بالاتر است. از نظر بالا و همکاران^۴ (۲۰۱۳) عضویت در اتحادیه‌ها در ابتدا باعث ورود جریان‌های بزرگ سرمایه، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های دستمزد خواهد شد. که در نتیجه افزایش قیمت‌ها، رقابت‌پذیری در تجارت بین‌المللی و صادرات کاهش، در حالی که افزایش هزینه‌های دستمزد منجر به افزایش هزینه‌های دولت و کسری بودجه می‌شود. با توضیحات بالا به نظر می‌رسد جهانی شدن بر هر دو بعد از رفتار مالی دولت‌ها یعنی درآمدها و مخارج تأثیر گذاشته و آزادسازی‌های مالی و تجاری و عضویت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی می‌تواند از دلایل کسری بودجه دولت‌ها باشد. در شکل (۱) به‌طور خلاصه ساز و کارهای اثرگذاری جهانی شدن بر بودجه دولت‌ها نشان داده شده است.

1. Tax-Smoothing
2. Barro
3. Azzimonti et al
4. Bala et al



شکل (۱): ارتباط نظری جهانی شدن با بودجه دولت‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲. نقش OECD در فرآیند جهانی شدن

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۱۹۶۱ برای تحریک پیشرفت اقتصادی و تجارت جهانی تأسیس شد. OECD مجموعه‌ای از کشورهاست که خود را به‌عنوان متعهد به اقتصاد بازار معرفی می‌کنند. عضویت در OECD، یکی از عوامل مؤثر انتقال کشورها از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار است. در بسیاری از کشورها، عضویت در OECD باعث باز شدن اقتصادها در بازارهای جهانی شده و یک نیروی بسیار تأثیرگذار برای تغییرات اجتماعی و اقتصادی بوده است (گاریا^۱، ۲۰۰۶). از نظر OECD جهانی شدن اقتصادی به‌عنوان فرآیندی که در طی آن انسجام بازارهای اقتصادی، مالی، محصولات و نیروی کار در سطح جهانی بیشتر شده، تفسیر می‌شود و OECD نقش مهمی در شناسایی و اعمال ابزارهای لازم برای تعادل در بین منافع و اهداف متفاوت این فرآیند بازی می‌کند، به همین دلیل نیز تعداد زیادی از مطالعات قبلی نیز مانند رودریک (۱۹۹۸)، درهر (۲۰۰۳)، گمل و همکاران (۲۰۰۸) و طیبی و فخری (۲۰۱۰) نیز این مجموعه کشور را

1. Gurria

برای بررسی اثرات جهانی شدن انتخاب نموده‌اند.

OECD نقش کلیدی در مدیریت جهانی شدن دارد و در این زمینه به شناخت و تشریح آن، تجزیه و تحلیل اثرات آن و ایجاد توصیه‌های سیاستی برای به حداکثر رساندن مزایای آن و مقابله با چالش‌های آن می‌پردازد. جهت این کار از روش‌های مختلف مانند، سیستم‌های مالیاتی هماهنگ، نظارت و هماهنگی در همکاری‌های بین‌المللی برای حل مشکلاتی مانند (مثلاً یارانه برای شرکت‌های دولتی و کارتل‌ها در زنجیره ارزش جهانی)، عدم اجرای مالیات تصاعدی و رفتار تجاری غیرمسئولانه و ... استفاده می‌کند. همچنین کمیته تجارت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از استمرار روند آزادسازی و ارتقای عملکرد سیستم تجارت چندجانبه باهدف مشارکت در توسعه تجارت جهانی، حمایت می‌کند (گاریا، ۲۰۱۷).

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات خارجی

رودریک (۱۹۹۸) استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد جزو اولین کسانی است که با نگاه به جهانی شدن و تجارت بین‌الملل توضیح متفاوتی برای رشد اندازه دولت عرضه کرده است. وی در مطالعه‌ای با ارائه شواهد و مدارکی از ۲۳ کشور سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) نشان داد که هر چه اقتصاد داخلی با دنیای خارج ارتباط بیشتری برقرار نماید و در معرض ریسک‌های بین‌المللی قرار گیرد، اندازه دولت به علت ایجاد برنامه‌های حمایتی مختلف از بیکاران و دیگر برنامه‌های اجتماعی مختلف جهت کاهش اثرات ریسک چنین برنامه‌هایی افزایش می‌یابد.

بعد از رودریک، گارین و تراسک^۲ (۲۰۰۵) مجدداً استدلال رودریک را موردسنجش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که کشورهای دارای اقتصاد بازتر رشد مخارج دولتی

1. Gurria

2. Garen and Trask

بالاتری دارند. شهباز و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که آزادسازی تجاری باعث افزایش اندازه دولت در بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌شود (تأیید فرضیه کامرون و رودریک)؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر معناداری بر روی اندازه دولت ندارد. گاریت^۲ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که در بعضی از کشورها سطح بالایی از تجارت همراه با رشد مخارج دولت بوده است. اما زمانی که رشد تجارت سریع‌تر شده است، رشد مخارجشان در آن دوره کندتر شده است، بریتس چگیر و هیتیچ^۳ (۲۰۰۲) رابطه مثبتی بین آزادی مالی و آزادی اقتصادی با رشد مخارج رفاهی را به دست آوردند که نتایج مطالعه آن‌ها از نتایج مطالعه رودریک حمایت می‌کرد. اما آدامز و ساکی^۴ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان دادند در کشورهای آفریقایی اثر جهانی‌شدن اقتصادی بر روی هزینه‌های دولت مثبت و اثر جهانی‌شدن اجتماعی و سیاسی بر روی هزینه‌های دولت منفی است. نائوتیت و وان منسل^۵ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای بیان می‌کنند بحران‌های مالی بین‌المللی ناشی از جهانی‌شدن موجب اختلال در مالیه عمومی بیشتر کشورهای توسعه‌یافته شده و باعث افزایش شدید بدهی‌های دولت می‌شود. درنهایت این امر در بعضی از کشورها مخاطره فروپاشی را افزایش داده است.

از طرف دیگر تعدادی از مطالعات نشان دادند که افزایش جهانی‌شدن باعث ثبات مالی بیشتر دولت در کشورها خواهد شد. در این زمینه گوارینچس و جین^۶ (۲۰۰۵) نتیجه گرفتند که یکپارچگی مالی می‌تواند نظم و انضباط را در سیاست‌های اقتصاد کلان دولت از طریق بهبود مزایای سیاست‌های خوب و تسریع حمایت سیاسی برای اصلاحات اعمال کند. بارتولینی و درازن^۷ (۱۹۹۷) استدلال می‌کنند که زمانی که یک کشور خود را در

-
1. Shahbaz et al
 2. Garrett
 3. Bretschger and Hettich
 4. Adams and Sakyi
 5. Nautet and Van
 6. Gourinchas and Jeanne
 7. Bartolini and Drazen

معروض هزینه‌های ناشی از افزایش باز بودن مالی قرار می‌دهد، ممکن است پایبندی خود را به سیاست‌های بهتر اقتصاد کلان نشان دهد. درهر^۱ (۲۰۰۳) با ارائه شواهدی نشان داد که جهانی‌شدن اثری بر مالیات‌ها و مخارج اجتماعی در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ندارد. گمل و همکاران^۲ (۲۰۰۸) نیز برای تعدادی از کشورهای (OECD) نتیجه گرفتند که هیچ ارتباطی میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص باز بودن اقتصاد به‌عنوان مقیاسی از جهانی‌شدن با اندازه دولت وجود ندارد. اما سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور مشخص وضعیت هزینه‌ای دولت را به سمت پرداخت‌های عمومی انتقال می‌دهد. تعدادی از اقتصاددانان نیز مانند فیشر^۳ (۱۹۹۸) و سامرز^۴ (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که افزایش آزادسازی جریان سرمایه تا حد زیادی برای اهداف کشورها در زمینه افزایش موقعیت‌های درآمدی متوسط و پایین ضروری بوده و جهانی‌شدن به‌طور قابل‌توجهی پایداری در میان کشورها صنعتی را بالا می‌برد.

۲-۳. مطالعات داخلی

در ایران در سال‌های اخیر تعدادی مطالعات در زمینه اثرات جهانی‌شدن بر فعالیت‌های دولت در اقتصاد از جمله اندازه دولت گرفته است. به‌عنوان مثال کوثری (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی بر کسری بودجه کشورهای منتخب در حال توسعه دارد. گلخندان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۸ کشور در حال توسعه و اسلامی گروه D8، رابطه بین جهانی‌شدن اقتصادی و اندازه دولت را بررسی می‌کند. نتایج این تحقیق حاکی از اثر مثبت جهانی‌شدن اقتصادی بر اندازه دولت و در نتیجه تأیید فرضیه رودریک برای کشورهای مورد مطالعه است. عظیمی و نوفرستی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری

1. Dreher
2. Gemmell et al
3. Fischer
4. Summers

در ایران با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری برای دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که اگر کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شود موجب بدتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی و اگر از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم تأمین شود موجب بهتر شدن تراز تجاری و تراز تجاری غیرنفتی خواهد شد. صادقی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای آثار جهانی شدن بر اندازه دولت‌ها در کشورهای منتخب آسیایی را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که جهانی شدن اقتصاد اندازه دولت را در کشورهای مورد مطالعه کاهش نداده است. دادگر و نظری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۳ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که جهانی شدن تجاری باعث رشد اندازه دولت در ایران گردیده و بیشترین توضیح دهنده‌گی رشد اندازه دولت را نشان می‌دهد. سلمانی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای اثر باز بودن تجاری بر روی میزان مخارج دولت در کشورهای در حال توسعه برای دوره‌ی زمانی ۲۰۱۱-۱۹۷۰ را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که باز بودن تجاری در کشورهای مورد بررسی مخارج دولت را افزایش داده است. کریمی پتانلار و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با استفاده از روش اقتصادسنجی آزمون کرانه‌ها و خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نشان داد که تأثیر جهانی شدن تجاری بر روی اندازه دولت در ایران در بلندمدت و کوتاه‌مدت به ترتیب مثبت و بی‌معنا و تأثیر جهانی شدن مالی بر روی اندازه دولت در بلندمدت و کوتاه‌مدت بی‌معنا است. جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای برای ایران یافتند که هنگامی که نسبت بدهی خارجی دولت به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۳/۹۰ باشد واکنش دولت در برابر بدهی به بانک مرکزی و بدهی به بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی غیربانکی داخلی از پایداری لازم برخوردار نیست، در غیر این صورت بدهی‌ها پایدار خواهد بود.

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد در حالی که حجم زیادی از مطالعات به ارتباط بین

جهانی‌شدن و خصوصاً آزادسازی تجاری بر اندازه دولت متمرکز شده‌اند، در این میان تأثیر جهانی‌شدن مالی و تجاری بر کسری بودجه دولت‌ها، خصوصاً از جهت ورود به سازمان‌های همکاری و اتحادیه‌ها کمتر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. در این راستا این مطالعه برای اولین بار اثرات جهانی‌شدن از بعد ورود بر سازمان‌های تجاری و اتحادیه‌ها بر کسری بودجه دولت‌ها را بررسی می‌نماید. همچنین در این مطالعه برای اولین بار رهیافت همسان‌سازی برای پاسخ به سؤالات پژوهش در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. روش پژوهش

۴-۱. رهیافت همسان‌سازی

یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل و بررسی اثرات سیاست‌ها و مداخلات اقتصادی یا اجتماعی بر رفتار متغیرهای اقتصادی، روش ارزیابی برنامه است. هنگامی که محقق با مشاهدات تجربی مواجه است، می‌تواند به وسیله‌ی همسان‌سازی مشاهدات (بدون این که شکل تابعی متغیر مورد نظر دانسته شود)، میزان تأثیرگذاری مداخله‌ی اقتصادی و یا سیاست اجرا شده را اندازه‌گیری کرده و آزمون فرضیه انجام دهد (کشاورز، ۱۳۹۵). از این رو، روش همسان‌سازی به‌عنوان یک رویکرد ناپارامتریک در اقتصادسنجی روشی برای این آزمون شناخته می‌شود. در واقع مشارکت در یک برنامه اثری را ایجاد می‌کند که ناشی از واکنش شرکت‌کنندگان نسبت به اجرای آن است. اثر ایجاد شده، نتیجه‌ی اجرای برنامه‌ی مورد نظر است. شکل‌گیری یک سازمان و عضویت در آن می‌تواند با هدف بهبود کسری بودجه باشد، که تحقق هدف ایجاد سازمان، اثر این برنامه‌ی خاص است که برای اعضای آن اتفاق می‌افتد. این که چه اثراتی برای شرکت‌کنندگان در سازمان ایجاد می‌شود بر پایه‌ی رهیافت همسان‌سازی قابل بررسی است. در واقع به گفته‌ی ژائو^۱ (۲۰۰۴) همسان‌سازی و ارزیابی برنامه^۲، روشی است که در آن سعی می‌شود با تقسیم واحدها

1. Zhao
2. Treatment Avaluation

(مثلاً کشورها، بنگاه‌ها و خانوارها) به گروه درمان (که در یک برنامه شرکت می‌کنند) و گروه شاهد (که مشارکتی در برنامه ندارند) تأثیر اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها بر شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش همسان‌سازی ضعف‌های رگرسیونی را با پیدا کردن آن بخش‌هایی از قانون توزیع متغیرهای توضیحی الگوی رگرسیونی که امکان مقایسه برای دو گروه آزمایش و شاهد در آن ناحیه وجود ندارد را آشکار می‌سازد. بنابراین روش همسان‌سازی پژوهشگر را از کیفیت استنتاج خود آگاه می‌سازد. دوم آن که، روش همسان‌سازی دارای تکنیک‌های آزمون فرضیه مشخصی برای ارزیابی عملکرد و دقت الگوسازی انجام‌شده برای ارزشیابی سیاست است، که روش‌های رقیب از این امکان با این وسعت و دقت بهره‌مند نیستند (کشاورز، ۱۳۹۵).

به‌طور کلی هدف این روش به دست آوردن میانگین اثر یک متغیر درمان دو دویی (باینری) بر یک متغیر واکنش است. برای هر واحد i که در آن $i=1, \dots, N$ است دو مقدار $Y_i(0)$ برای مقدار در هنگام شرکت در برنامه و $Y_i(1)$ مقدار در هنگام عدم شرکت در برنامه وجود دارد. متغیر $W_i \in \{0,1\}$ به‌عنوان نشان‌دهنده‌ی مشارکت در برنامه به‌صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$Y_i = \begin{cases} Y_i(0) & \text{if } W_i = 0 \\ Y_i(1) & \text{if } W_i = 1 \end{cases} \quad (1)$$

که در آن اگر $y_1(1) - y_1(0) > 0$ باشد نشان‌دهنده‌ی این است که برنامه‌ی اجراشده برای واحد i ام‌اثرگذار بوده است. برای اثر درمان در کل جامعه می‌توان از رابطه‌ی زیر استفاده کرد:

$$E(y_1 - y_0) = E(y_1) - E(y_0) \quad (2)$$

اگر افراد به‌صورت تصادفی در دو گروه درمان و کنترل قرار گرفته باشند می‌توان این اثر را به‌صورت زیر بیان کرد:

$$\tau = E(y|w = 1) - E(y|w = 0) = E(y_1|w = 0) = (y_0|w = 0) \quad (3)$$

$$= E(y_1) - E(y_0)$$

در صورتی که افراد به صورت تصادفی تقسیم نشده باشند، باید دیگر متغیرهای اثرگذار بر y را که قابل مشاهده هستند را شناسایی نموده و اثرات آن‌ها را حذف نمود. به این صورت که گروه‌هایی که در مقدار این متغیرها (که به آن‌ها متغیرهای توضیحی x گفته می‌شود و دارای بعد k است) با یکدیگر برابر بوده و یا مقادیر مشابهی را دارند با یکدیگر مقایسه نمود (لی، ۲۰۰۵):

$$E(y|x, w = 1) - E(y|x, w = 0) = E(y_1|x, w = 0) - E(y_0|x, w = 0) =$$

$$E(y_1|x) - E(y_0|x) = E(y_1 - y_0|x) \quad (4)$$

با فرض این که شرکت در برنامه مستقل از متغیر واکنش بوده (روزنباوم و روبین^۳، ۱۹۸۳) و همچنین احتمال شرکت در برنامه در هر x داده شده در بازه‌ی ۰ و ۱ باشد (هکمن^۵ و همکاران، ۱۹۹۸)، اثر درمان^۶ به صورت زیر قابل شناسایی خواهد بود:

$$\tau(x) = E[Y(1) - Y(0)|X = x] \quad (5)$$

$$= E[Y|W = 1 \cdot X = x]$$

$$- E[Y|W = 0 \cdot X = x]$$

تحت این شرایط، تفاوت بین متغیرهای سمت راست معادله‌ی بالا برای هر x قابل شناسایی است (لی، ۲۰۰۵). در نتیجه میانگین اثر درمان با محاسبه‌ی $E[Y|W = 1 \cdot X = x] - E[Y|W = 0 \cdot X = x]$ در تمام توزیع x به دست می‌آید (آبادی و ایمبنز، ۲۰۱۰). و میانگین اثر درمان برای گروه تحت درمان به صورت زیر خواهد بود:

$$\tau = E[\tau(X)] = E[E[Y|W = 1 \cdot X = x]$$

$$- E[Y|W = 0 \cdot X = x]] \quad (6)$$

چالش‌های پراهمیت در ارزیابی برنامه، پاسخ دادن به این پرسش است که اگر برنامه

3. Rosenbaum and Rubin
4. Lee
5. Heckman
6. Treatment Effect

اجرا نمی‌شد، متغیر مورد مطالعه برای افراد در معرض برنامه به چه سطحی می‌رسید. به عبارت دیگر در هر کدام از گروه‌ها تنها یکی از دو متغیر $Y_i(1)$ و $Y_i(0)$ قابل مشاهده است که در گروه درمان $Y_i(1)$ و در گروه کنترل $Y_i(0)$ است. پیدا کردن جواب پرسش بالا احتیاج به یک مفهوم انتزاعی است که تصویری^۱ است (ایمبنز و وولدریج^۲، ۲۰۰۸). بدین منظور ابتدا باید متغیر واکنش غیرقابل مشاهده بالقوه^۳ را در هر نمونه برآورد نمود (استارت^۴ ۲۰۱۰). بدین منظور متغیر واکنش خارج از برنامه $(Y_i(0))$ را با در صورت برابر بودن متغیر توضیحی X به عنوان تخمینی برای یک متغیر در معرض درمان در نظر گرفته می‌شود. اگر شرکت در درمان برای واحدهایی با متغیرهای توضیحی یکسان، به صورت کاملاً تصادفی باشد، می‌توان از متغیر واکنش گروه کنترل برای تخمین عدم شرکت در برنامه اعضای درمان به شرط برابر بودن متغیرهای توضیحی استفاده نمود. این موضوع، ایده‌ی پایه‌ی روش همسان‌سازی است (کشاورز، ۱۳۹۵). برای هر واحد، تخمین زننده‌ی همسان‌سازی مقدار متغیرهای خارج از برنامه را به عنوان مقادیر غیرقابل دسترس برای متغیرهای توضیحی مساوی قرار می‌دهد. همسان‌سازی همان‌طور که می‌تواند روی داده‌های مشاهده‌پذیر انجام گیرد بر روی ضریب تمایلی^۴ که از متغیرهای کنترل به دست می‌آید نیز قابل انجام است (فرولیچ^۵، ۲۰۰۷ و کالیندو و همکاران^۶، ۲۰۰۵). در همسان‌سازی بر ضریب تمایل هنگامی که ابعاد بردار متغیرهای کنترل به اندازه‌ی زیاد باشد که فرض هم‌پوشانی داده‌ها مشکل باشد (کامرون و تریودی، ۲۰۰۵)، ابتدا یک تخمین لاجیت^۷ یا پروبیت^۸ بر روی بردار متغیرهای کنترل برازش می‌شود و سپس

-
1. Counterfactual
 2. Imbens and Wooldridge
 3. Potential Outcome
 4. Propensity Score
 5. Frölich
 6. Caliendo
 7. Logit
 8. Probit

احتمال شرکت در برنامه برای هر واحد به‌دست‌آمده و میج کردن داده‌ها با استفاده از همین ضریب تمایل انجام می‌گیرد (روزنباوم و روبین، ۱۹۸۳). در همسان‌سازی با استفاده از نمره تمایل می‌توان با استفاده از ۴ روش نزدیک‌ترین همسایه^۱ (بکر و آیچینو، ۲۰۰۲)، پرگار یا شعاع^۲، زیر طبقه‌سازی^۳ و بازه‌سازی، یا هسته‌ای^۴ (هکمن و همکاران، ۱۹۹۸ و مارکوس فرولیچ، ۲۰۰۴) عملیات همسان‌سازی را انجام داد (کالیندو و کوپینینگ^۵، ۲۰۰۸ و تود^۶، ۲۰۰۶).

برآورد اثر برنامه مبتنی بر ضریب تمایل در چند مرحله انجام می‌شود ابتدا یک مقدار احتمالی برای هر واحد به‌وسیله تخمین تابع احتمال و توسط رگرسیون لاجیت یا پروبیت انجام می‌شود که در آن متغیرهای میج به‌عنوان متغیرهای توضیحی در الگوی وارد می‌شوند. پس از به دست آوردن مقدار احتمال مربوط به هر مشاهده از میان روش‌های میج کردن از روش هسته (کرنل) استفاده می‌شود که برآوردگری ناپارامتری بوده و متوسط وزنی از تقریباً تمام افراد گروه کنترل است برای ساختن مقدار تصویری متغیر مورد مطالعه، به کار گرفته می‌شود. ویژگی استفاده از روش هسته، داشتن واریانس کوچک برای برآوردگر همسان‌سازی است زیرا که حجم زیاد اطلاعاتی را استفاده می‌کند. برآوردگر همسان‌سازی با استفاده از ضریب تمایل و وزن دهی کرنل به‌صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$\hat{t}_{ATT}^{KPSM} = \frac{1}{N^T} \sum_{i \in T} \left\{ Y_i^T - \frac{\sum_{j \in C} Y_j^C G\left(\frac{P_j - P_i}{h_n}\right)}{\sum_{k \in C} G\left(\frac{P_k - P_i}{h_n}\right)} \right\} \quad (7)$$

که در آن $G(0)$ یک تابع هسته و h_n پارامتر پهنای باند است. تحت شرایط متعارف می‌توان نشان داد که مقدار زیر یک برآوردگر سازگار برای مقدار تصویری Y_{0i} است (کشاورز، ۱۳۹۵).

1. Nearest neighbor
2. Caliper and Radius
3. Stratification and interval
4. Kernel
5. Caliendo and Kopeinig
6. Todd

$$\frac{\sum_{j \in C} Y_j^C G \left(\frac{P_j - P_i}{h_n} \right)}{\sum_{k \in C} G \left(\frac{P_k - P_j}{h_n} \right)} \quad (۸)$$

درواقع همسان‌سازی روشی است که برای انتخاب مشاهدات گروه درمان شده و گروه کنترل و مقایسه‌ی اثرات متغیرهای توضیحی روی متغیر واکنش به کار می‌رود (ژائو^۱، ۲۰۰۴). در روش همسان‌سازی، ضریب تمایل که احتمال مشارکت در یک برنامه را نشان می‌دهد، برآورد می‌شود، به طوری که متغیرهای توضیحی موجود در الگوی میج‌های چندگانه را برای انطباق اثرات بین دو گروه مشارکت‌کننده و کنترل ایجاد می‌کنند. بر این اساس، در این مقاله جهت ارزیابی تأثیر عضویت در سازمان OECD (که به‌عنوان متغیر برنامه^۲ و مصداقی برای فرآیند جهانی‌شدن شناخته می‌شود) بر کسری بودجه کشورهای عضو (که به‌عنوان متغیر واکنش شناخته می‌شود) در سال ۲۰۱۵ از روش میج‌های چندگانه استفاده می‌شود.

۲-۴. چارچوب نظری الگو

برنامه عضویت در OECD دارای آثار درونی و بیرونی بر اقتصاد کشورهای مشارکت‌کننده در آن و سایر کشورهای جهان است. بنابراین در این مقاله با استفاده از روش همسان‌سازی که در آن متغیرهای مؤثر و تعیین‌کننده‌ی کسری بودجه به پیروی از مطالعات تیتل^۳ (۲۰۰۴)، مالتریز و وسته (۲۰۱۵) و شهباز و همکاران^۴ (۲۰۱۰)، به‌عنوان میج چندگانه معرفی می‌شوند، به بررسی واکنش کسری بودجه کشورها به تحولات جهانی‌شدن مالی می‌پردازد.

برای این منظور از اطلاعات ۱۶۵ کشور از بین کشورهای عضو OECD و غیر عضو در سال ۲۰۱۵ که از پایگاه اینترنتی <http://heritage.org>، <http://fraserinstitute.org> و

1. Zhao
2. Treatment
3. Tytell
4. Shahbaz et al

OECD^۱ استخراج گردیده، استفاده شده است. در این خصوص در تبیین رابطه‌ی بین جهانی‌شدن و کسری بودجه، ارتباط کسری بودجه با سایر متغیرها به صورت $debt = f(x, cu)$ قابل تعریف است. در این تابع، Debt نشان‌دهنده‌ی تجمیع کسری بودجه (بدهی دولت‌ها) است. در الگوی‌های ساده مالیه عمومی، افزایش بدهی دولت از یک دوره به بعد برابر با کسری بودجه برای آن دوره است:

$$debt_t - debt_{t-1} = deficit_t \quad (۹)$$

در صورت مشخص بودن کسری بودجه و خالص بودن بدهی‌های عمومی این معادله به‌عنوان یک اصل برقرار است. با این حال، معمولاً، کسری بودجه شفاف نیست^۲ و بدهی‌ها ناخالص هستند، بنابراین این معادله را نمی‌توان در نظر گرفت. اختلاف بین کسری و افزایش بدهی اغلب "تعدیل جریان ذخیره"^۳ نامیده می‌شود، که می‌تواند دقیقاً با باقی‌مانده بدهی-کسری برابر باشد. در این صورت معادله مربوطه به‌صورت زیر است:

$$debt_t - debt_{t-1} = deficit_t + residual_t \quad (۱۰)$$

حتی وجود یک باقی‌مانده بزرگ لزوماً نشانه‌ای از یک مشکل در آن نیست. با این حال، باقی‌مانده‌های منفی بزرگ و دائمی می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای داشتن بدهی بدون کاهش هزینه‌ها^۴ باشد. به همین ترتیب، باقی‌مانده‌های مثبت بزرگ و دائمی ممکن است به تلاش برای پنهان کردن هزینه‌ها اشاره داشته باشند. به‌عنوان مثال، یک دولت ممکن است تصمیم بگیرد از یک ارز خارجی با نرخ بهره پایین قرض بگیرد تا کسری ناشفاف را کاهش دهد که مانع افزایش ارزش بدهی‌های خارجی به پول محلی شود. اما اگر نرخ بهره مدنظر باشد، نرخ بهره پایین‌تر نشان‌دهنده انتظار افزایش ارزش ارز خارجی در مقابل ارز محلی است، بنابراین قرض گرفتن به ارز خارجی ارزان‌تر نیست. با این حال افزایش در

1. <https://data.oecd.org/>
 2. Dirty Deficit
 3. Stock-Flow Adjustment
 4. Spending

ارزش پول محلی بدهی‌ها، تنها در باقی‌مانده نشان داده می‌شود (ایروین^۱، ۲۰۱۵). در این راستا تعدادی از متخصصان مانند (بالاسون^۲، ۲۰۰۶) تأکید می‌کنند که لازم است چندین روش برای اندازه‌گیری کسری بودجه و بدهی‌های عمومی، نه صرفاً برای بیان کامل از امور مالی دولتی، بلکه برای کمک به افشای دست‌کاری هدفمند دولت‌ها در تغییر بدهی‌ها تولید شود. به همین دلیل در کشورهای اتحادیه اروپا، ایالات‌متحده و دیگر کشورهای توسعه‌یافته، چندین معیار برای بدهی و کسری دولت وجود دارد. با این توضیحات، در این مطالعه همانند تعدادی از مطالعات قبلی مانند رحمان^۳ (۲۰۱۲) از بدهی‌های عمومی به‌عنوان جانشین^۴ کسری بودجه انتخاب شده است. Cu، سازمان OECD و x نشان‌دهنده برداری از سایر متغیرهای تأثیرگذار بر بدهی دولت مانند آزادسازی تجاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، مخارج دولت و درآمد مالیاتی است. در این رابطه تیتل (۲۰۰۴)، مالتریز و وسته (۲۰۱۵) و شهباز و همکاران (۲۰۱۰) مطالعاتی انجام داده و بر تأثیرپذیری بدهی دولت از آزادسازی تجاری، درآمدهای مالیاتی، تولید ناخالص داخلی سرانه و مخارج دولت پرداخته‌اند. متغیر آزادسازی تجاری اولین بار در مطالعه رودریک مورد استفاده قرار گرفت و سپس توسط محققان در کارهای دیگر استفاده شد. همچنین متغیر آزادسازی تجاری در مطالعات گمل و همکاران (۲۰۰۸) و شهباز و همکاران (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته و تأثیر آن بر مخارج دولت تأیید شده است. متغیر کسر بودجه و ارتباط آن با آزادسازی تجاری و مالی در مطالعه چادهاری (۲۰۰۷) و هاشم زاده ویلسون (۲۰۰۶) تأیید شده است. متغیرهای کنترل دیگر مانند درآمد سرانه بر اساس مبانی نظری موجود در این زمینه از جمله قانون واگنر^۵ و متغیرهای مخارج دولت و درآمدهای دولت بر اساس فرضیه‌های کارایی و جبران که در قسمت ادبیات موضوع به آن اشاره شد انتخاب

-
1. Irwin
 2. Balassone et al
 3. Rahman
 4. Proxy
 5. Wagner

گردیده است.

حال جهت بررسی تأثیر عضویت در OECD بر بدهی دولت، با تکیه بر مباحث نظری بیان شده و با توجه به روش همسان‌سازی، الگوی تجربی این مطالعه برای نمونه موردنظر این مطالعه به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$debt_i = f(x_{ki}, z_{ki}, D_i^{FG}) \quad (11)$$

به طوری که $debt_i$ متغیر بدهی دولت، D_i^{FG} متغیر مجازی به عنوان یکی از مصادیق جهانی شدن، x_{ki} و z_{ki} نیز متغیرهای ترکیبی شامل بردار x و بردار z هستند، به گونه‌ای که رگرسیون روی نمونه‌ای از کشورهای مشارکت‌کننده در OECD به عنوان برنامه جهانی شدن مالی و کشورهای گروه کنترل (شاهد) انجام می‌شود. در اینجا β_D ضرایب تخمین متغیر مجازی به عنوان اثر مشارکت در OECD است.

۵. برآورد الگو و تحلیل نتایج

در بخش قبل نشان داده شد که مشارکت در یک برنامه مانند عضویت در یک سازمان همکاری (به عنوان مصداقی از جهانی شدن) می‌تواند اثری را ایجاد کند که ناشی از واکنش شرکت‌کنندگان نسبت به اجرای آن برنامه است. اثر ایجادشده، برآمد اجرای برنامه‌ی موردنظر است. شکل‌گیری یک اتحادیه و عضویت در آن می‌تواند باهدف کاهش بدهی دولت باشد که تحقق آن، برآمد این برنامه خاص است که برای اعضای اتحادیه اتفاق می‌افتد. با این حال کاهش بدهی دولت برای کشورهای غیر عضو هم قابل‌دستیابی است. این که چه اثراتی برای شرکت‌کنندگان در اتحادیه ایجاد می‌شود و واکنش سایر کشورها در مورد کسری بودجه به چه میزان است، در قابل رهیافت همسان‌سازی قابل بررسی است. در این بخش مقاله جهت ارزیابی تأثیر جهانی شدن بر بدهی دولت کشورهای عضو و غیر عضو در اتحادیه، نتایج روش همسان‌سازی که توسط آبادی و ایمبنز^۱ (۲۰۰۲) فرآیند

1. Abadie and Imbens

سازی شده است، تجزیه و تحلیل می‌شود. بر اساس این رهیافت می‌توان واکنش کسری بودجه که از بدهی دولت به‌عنوان انباشت کسری بودجه استفاده شده است را نسبت به مشارکت کشورها در فرآیند جهانی‌شدن مالی از طریق عضویت در اتحادیه ارزیابی کرد. از این رو می‌توان با توجه به مطالعات تیتل (۲۰۰۴)، مالتریز و وسته (۲۰۱۵) و شهباز و همکاران (۲۰۱۰) مبتنی بر عضویت و عدم عضویت در اتحادیه، بر اساس رهیافت همسان سازی، برای ۱۶۵ کشور جهان به‌صورت داده‌های مقطعی در سال ۲۰۱۵ است، الگوی موردنظر مطالعه به شکل زیر تبیین می‌شود:

$$debt_i = f(D_{EUj}, gdp_{per_i}, unemployment_i, inflation, Trade_{freedom_{i_{ki}}}) \quad (12)$$

OECD کشورهای عضو = ۳۰ و ۱ و ۲ و ۱۶۵ و ... و ۱ = i

که در آن $debt_i$ نشان‌دهنده‌ی بدهی دولت برای کشور i در جهان و D_{EU} متغیر مجازی عضویت در اتحادیه‌ی اروپا است. اگر کشور موردنظر عضو اتحادیه باشد، این متغیر ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر به خود می‌گیرد. متغیرهای gdp_{per_i} و $trade_freedom$ و $inflation$ و $unemployment$ هم به ترتیب نشان‌دهنده‌ی تولید ناخالص داخلی سرانه، آزادی تجاری، تورم و بیکاری برای کشور i هستند.

در روش همسان‌سازی که برای این مقاله در نظر گرفته شده است، متغیرهای الگوی با متغیر درمان که عضویت در OECD است در موقعیت انطباق سازی اثر این برنامه بر متغیر واکنش یعنی بدهی دولت قرار می‌گیرند. با توجه به نتایج حاصل برای اقتصاد جهانی که در آن OECD نقش مؤثری را داشته است، در زیر نتایج تجربی تخمین‌زننده‌ی همسان‌سازی چندگانه به روش آبدی و ایمبنز (۲۰۰۲)، برای اثر درمان متوسط، تأثیر اتحادیه بر کسری بودجه در ارتباط با گروه درمان (ATT)^۱ ارائه می‌شود. در این ارتباط از اطلاعات ۱۶۵ کشور جهان در سال ۲۰۱۵ استفاده شده است.

1. Average Treatment on Treated

از آنجایی که استفاده از روش آبادی و ایمبنز (۲۰۰۲) در مچ‌های چندگانه اجازه می‌دهد واحدهای مشاهده شده بیشتر از یک‌بار قابلیت مچ شدن و تطابق را داشته باشند و بنابراین نتایج حاصله از دقت بالاتر برخوردار شوند، در این مطالعه از پنج متغیر به عنوان مچ‌های مختلف استفاده شده است.

جدول (۱). نتایج برآورد ضریب تمایل برای کشورها

متغیر	ضریب	Std.err	z	P> z
gdpper	۰/۰۰۰۰۱۴۵	۷/۲۶۰-۰۶	۲/۰۰	۰/۰۴۶
trade_freedom	۰/۱۰۴۹	۰/۰۳۳۸	۳/۱۰	۰/۰۰۲
unemployment	-۰/۰۱۱۶	۰/۰۲۷۹۷	-۰/۴۱	۰/۶۷۸
inflation	-۰/۱۳۱۰	۰/۰۷۶۶۳	-۱/۷۱	۰/۰۸۷
constant	-۹/۴۸۲۶	۲/۸۵۲۸	-۳/۳۲	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول جدول (۱) مقادیر احتمالی شرکت در گروه درمان هر کدام از مشاهدات به دست آورده می‌شود، که برای مچ شدن بین واحدها استفاده می‌شود.

جدول (۲). تأثیر جهانی شدن بر بدهی کشورها با استفاده از روش همسان‌سازی بر روی

ضریب تمایل و وزن‌های کرنلی

t-stat	تفاوت	S.E	کنترل	درمان	
۲/۷۶	۴۰/۲۴۱۵	۱۴/۵۵۸۴	۳۷/۷۰۳۱	۷۷/۹۴۴۷	ATT

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول شماره‌ی (۲)، با توجه به مقدار اثر درمان به دست آمده بین عضویت و عدم عضویت در OECD که مثبت (۴۰/۲۴۱۵) و معنادار (۲/۷۶) در سطح احتمال ۵ درصد است، عضویت در OECD باعث افزایش کسری بودجه گردیده است. به عبارتی از بین ۱۶۵ کشور منتخب در جهان، کشورهایی عضو سازمان OECD در گروه درمان جای گرفته و بقیه‌ی کشورهای جهان در گروه کنترل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج بالا گویای

این مطلب است که عضویت در OECD که در این مطالعه به عنوان مصداق از جهانی شدن مالی در نظر گرفته شد، موجب انباشت بیشتر بدهی دولت‌ها و افزایش کسری بودجه می‌گردد. این نتیجه تا حدود زیادی تأییدکننده فرضیه آزمونتی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) است که ادعا می‌کنند زمانی که بازارهای مالی در سطح بین‌المللی یکپارچه (ادغام) شده‌اند دولت‌ها سطوح بالاتر کسری بودجه و در نتیجه بدهی عمومی بیشتری را انتخاب می‌کنند. همچنین لازم است در ارزیابی الگوی همسان‌سازی، آزمون توازن^۲ مشخصه‌های شرکت‌هایی که در گروه درمان و شاهد قرار دارند، صورت گیرد. بنابراین هدف از این آزمون بررسی درستی این فرضیه است که برنامه مستقل از مشخصه‌های کشورهای عضو اتحادیه شده، پس از مشاهده مشخصه‌های آن‌ها است یا خیر (کشاورز، ۱۳۹۵).

جدول (۳). نتایج آزمون توازن

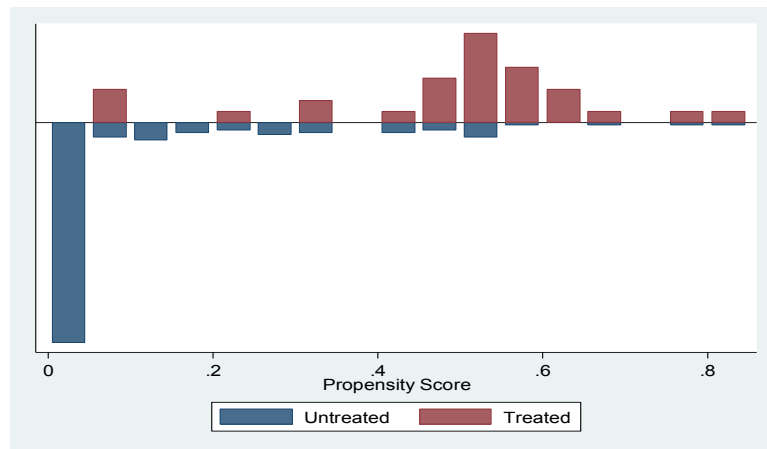
t-test		میانگین			متغیرها
t	p> t	گروه درمان	گروه شاهد	تورش	
۰/۱۷	۰/۸۶۲	۴۰۸۱۶	۳۹۸۰۳	۶/۰	gdpper
-۰/۷۸	۰/۴۳۶	۸۶/۵۳۳	۳۷/۲۰۷	-۸/۷	trade_freedom
۱/۳۸	۰/۲۰۴	۸/۵۲	۶/۸۸	۲۴/۵	unemployment
-۱/۳۸	۰/۲۰۵	۱/۱۴۴۵	۱/۷۸۱۲	-۱۱/۶	inflation

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرهایی که مقدار احتمال آماره‌ی t آن‌ها از ۰/۰۵ بزرگتر باشند، به خوبی جفت و جور شده‌اند و متوازن هستند. با توجه به نتایج جدول جدول (۳) هر دو متغیری که در این مطالعه به عنوان مچ انتخاب شده‌اند، به خوبی متوازن هستند. در پایان لازم است وجود تکیه گاه مشترک مقادیر ضریب تمایل آزمون گردد. وضعیت نامناسب این آزمون هنگامی است که نمودار چگالی گروه برنامه به سمت صفر و نمودار چگالی گروه درمان به سمت یک گرایش پیدا کند (و بالعکس) که در نمودار نمودار (۱)

1. Azzimonti et al
2. Balancing Tests

مشاهده می‌شود که این نکته نیز رعایت گردیده است (کشاوری، ۱۳۹۶).



نمودار (۱). ارزیابی تکیه‌گاه مشترک

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه به‌دست‌آمده از این مطالعه را می‌توان از طریق تأثیر جهانی شدن بر دو بعد فعالیت‌های دولت یعنی مخارج و مالیات‌ها تفسیر نمود. بر اساس تعدادی از نظریات موجود مانند مطالعه کامرون (۱۹۷۸)، رودریک (۱۹۹۸) و گارین و تراسک (۲۰۰۵) زمانی که یک کشور با دنیای خارج ارتباط بیشتری برقرار نماید در معرض ریسک‌های بین‌المللی قرار گرفته و مخارج دولت بنا به دلایل ذکر شده در ادبیات موضوع افزایش می‌یابد. آزمون‌های همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که در شرایط جهانی شدن، تقاضا برای بدهی‌های دولت نه تنها از طرف سرمایه‌گذاران داخلی بلکه از طرف سرمایه‌گذاران خارجی نیز وجود خواهد داشت. بنابراین هر کشور موجود با تأثیرپذیری پایین‌تر نرخ بهره از بدهی در کشور خود روبه‌رو بوده و از این رو در صورت افزایش بدهی‌ها، نرخ بهره افزایش نخواهد یافت. زیرا در این حالت، تقاضا برای بدهی‌های دولت هم از طرف سرمایه‌گذاران داخلی و هم خارجی وجود داشته و بنابراین نرخ بهره داخلی کمتر نسبت به بدهی داخل کشور حساس شده و دولت‌ها تمایل بیشتری به افزایش بدهی دارند. همچنین ورود به فرآیند جهانی شدن مالی

راه‌های جدید تأمین مالی برای کشورها را فراهم کرده و از این طریق دولت‌ها دست به استقراض و افزایش مخارج می‌زنند.

از طرف دیگر با توجه به این که درآمدهای عمومی بسیار از کشورها هنوز به‌طور وسیعی به درآمدهای حاصل از مالیات بر تجارت و تعرفه‌های گمرکی وابسته است. در نتیجه با ورود به فرآیند جهانی‌شدن و کاهش تعرفه‌ها و همچنین با توجه به ویژگی‌های ساختاری و سیستم مالیاتی آن‌ها، دولت در این کشورها مجبور هستند تا زمانی که بتوانند منابع درآمدی دیگری را جایگزین این مالیات کنند، کسری بودجه یا افزایش بدهی را دنبال نمایند (بانسگارد و کین^۳، ۲۰۱۰). به همین دلیل تعدادی از اقتصاددانان مانند پیکتی^۴ (۲۰۱۴) و میلانویچ^۵ (۲۰۱۶) اعتقاد دارند که جهانی‌شدن تأثیر منفی بر بعد فعالیت‌های مالیاتی دولت داشته و باعث کاهش حجم مالیات‌های دریافتی دولت می‌شود. از نظر این اقتصاددانان جهانی‌شدن مالی و پناهگاه‌های مالیاتی^۶ باعث تشدید رقابت بین کشورها برای جذب سرمایه شده، و دولت‌ها را مجبور می‌کند با کاهش مالیات شرایط را برای جلوگیری از فرار سرمایه‌ی داخلی به خارج و جذب سرمایه خارج به کشور فراهم کند. بنابراین با مطرح‌شدن جهانی‌شدن مالی نرخ‌های مالیات روزبه‌روز کاهش می‌یابد. بنابراین در مجموع جهانی‌شدن هم به دلیل افزایش مخارج دولت و هم به دلیل کاهش حجم مالیات دریافتی، باعث افزایش کسری بودجه و در نهایت افزایش بدهی‌های دولت می‌شود. که نتایج این تحقیق هم در راستای تأیید این نظریات است.

نتیجه به‌دست‌آمده از این پژوهش اگرچه در راستای مطالعات گارین و تراسک

3 Baunsgaard and Keen

4 Piketty

5 Milanovic

۶ پناهگاه‌ها مالیاتی که گریزگاه مالیاتی نیز خوانده‌شده، به کشور، ایالت یا منطقه‌ای اطلاق می‌شود، که در آن قوانین مالیاتی مثل سایر کشورها در آن‌ها اعمال می‌شود با این تفاوت که سرمایه‌گذاران خارجی از نظر مالیاتی خیلی راحت‌تر فعالیت می‌کنند. بدین صورت که سرمایه‌گذاران با داشتن حساب‌های بانکی و شرکت، از مالیات معاف بوده یا مالیات بسیار ناچیزی پرداخت می‌کنند (Dharmapala and Hines Jr, 2009).

(۲۰۰۵)، شهباز و همکاران (۲۰۱۰) و آدامز و ساکی (۲۰۱۲) نیز است، اما با نتایج تعدادی از مطالعات قبلی مانند گوارینچس و جین (۲۰۰۵) و بارتولینی و درازن (۱۹۹۷) در تضاد می‌باشد. زیرا آن‌ها نشان داده‌اند زمانی که یک کشور خود را در معرض افزایش آزادسازی مالی قرار می‌دهد ممکن است پایبندی خود را به سیاست‌های بهتر اقتصاد کلان افزایش داده و در نتیجه انضباط مالی دولت‌ها افزایش یابد. با این وجود گرایش‌های بسیار قوی در جهت آزادسازی تجاری و مالی وجود دارد؛ زیرا در عمل اقتصادهای برون‌گرا نسبت به اقتصادهای درون‌گرا، نرخ رشد بالایی را تجربه می‌کنند (گرجی و علیپوریان، ۱۳۸۵). کشورهای توسعه‌یافته با وابستگی کمتر به درآمدهای مالیات بر تجارت، عمدتاً کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از آزادسازی را با مالیات‌های داخلی جبران کرده و از افزایش بدهی‌ها از این مسیر جلوگیری می‌کنند (بانسگارد و کین، ۲۰۱۰). در کشورهای در حال توسعه نیز علیرغم کاهش درآمدهای مالیاتی در کوتاه‌مدت، این امکان وجود دارد در بلندمدت به دلیل آزادسازی تجاری و مالی، رشد اقتصادی سریع‌تری را تجربه کرده و بنابراین، پایه‌های مالیاتی برای وصول مالیات بر کالاها و خدمات را بسط داده و در نهایت بدهی‌هایشان کاهش یابد (اگبیگب و همکاران^۷، ۲۰۰۶).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

در دهه‌های اخیر به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی بوده است که کشورها باهدف بهبود اوضاع اقتصادی و افزایش رفاه مردمشان و همچنین جلوگیری از مشکلات مالی و اقتصادی احتمالی از آینده، به عضویت آن‌ها درآمده و مطابق با قوانین آن‌ها، با یکدیگر تعاملاتی را برقرار می‌کنند. از جمله این روابط و تعاملات، روابط مالی بین کشورهاست که با سرعت بالایی رو به گسترش است و از آن به‌عنوان جهانی‌شدن مالی نام‌برده می‌شود. جهانی‌شدن مالی نمونه‌های مانند تشکیل و

7. Agbeyegbe et al

توسعه‌ی اتحادیه‌های پولی دارد که با تأثیر بر روابط مالی داخلی و بین‌المللی نهادهای مالی، بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهای عضو تأثیر می‌گذارد.

از این رو در این مطالعه به بررسی این نکته پرداخته شده که آیا روند جهانی شدن مالی به بهبود سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌ها و ارتقای نظم و انضباط مالی آن‌ها در زمینه بودجه کمک کرده است یا نه. بدین لحاظ داده‌های ۱۶۵ کشور جهان در سال ۲۰۱۵، گردآوری شد که گروهی به‌عنوان گروه درمان (کشورهای عضو OECD) و گروهی به‌عنوان گروه شاهد (کشورهای غیر عضو OECD) در نظر گرفته شدند و با استفاده از روش همسان‌سازی به بررسی اثر جهانی شدن مالی بر کسری بودجه‌ی دولت‌ها پرداخته شد. در این مطالعه برای کسری بودجه، همانند تعدادی از مطالعات قبلی مانند رحمان (۲۰۱۲)، از بدهی دولت‌ها به‌عنوان شاخصی برای کسری بودجه استفاده شده است. همچنین از متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، مخارج دولت، درآمد مالیاتی دولت و شاخص آزادسازی اقتصادی به‌عنوان متغیرهای چندگانه استفاده شد که به‌نوعی اثر این متغیرها کنترل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عضویت در سازمان OECD که به‌عنوان نمونه‌ای از جهانی شدن مالی در نظر گرفته شده است، باعث افزایش بدهی دولت‌ها شده است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران برنامه‌ریزی‌های لازم را برای جلوگیری از کسری بودجه‌های احتمالی در هنگام عضویت در سازمان‌های اقتصادی و تجاری و همچنین آزادسازی‌های مالی انجام دهند. در این راستا دریافت مالیات بهینه از سرمایه‌های داخلی و خارجی برای جلوگیری از خروج این سرمایه‌ها و درنهایت جلوگیری از کسری بودجه در بلندمدت پیشنهاد می‌گردد. همچنین با توجه به این که در کوتاه‌مدت و در سال‌های اولیه عضویت، امکان کسری بودجه به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد، پیشنهاد می‌گردد دولت‌ها در این کشورها قبل از عضویت در اتحادیه‌ها، منابع مالی کافی انباشت کرده تا از افزایش بدهی‌ها

در سال‌های آتی جلوگیری نمایند.

با توجه به این که در سال‌های اخیر، عضویت ایران در تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی^۸ (WTO) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۹ (EAEU) مورد توجه قرار گرفته، و همچنین افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی-مالی در سازمان همکاری اقتصادی اکو^{۱۰} (ECO) و تشکیل اتحادیه پولی-مالی کشورهای اسلامی نیز مطرح شده است، توصیه می‌شود در ایران دولت قبل از عضویت در این سازمان‌ها، منابع مالی کافی را برای جلوگیری از افزایش بدهی‌ها در زمان عضویت (به‌خصوص در سال‌های اولیه) در نظر بگیرد.

منابع:

- Abadie, A., Drukker, D., Herr, J. L., & Imbens, G. W. (2004). Implementing matching estimators for average treatment effects in Stata. *The Stata journal*, 4(3), 290-311.
- Adams, S., & Sakyi, D. (2012). Globalization, Democracy, and Government Spending in Sub Saharan Africa: Evidence from Panel Data. *In Globalization and responsibility*, 137-152.
- Agbeyegbe, T. D., Stotsky, J., & WoldeMariam, A. (2006). Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa. *Journal of Asian Economics*, 17(2), 261-284.
- Alesina, A. and Perotti, R. (1997). The Welfare State and Competitiveness. *American Economic Review*, 89, 921-937.
- Azimi, S.A., and Nofrasty, M. (1394). The Relationship between Government Budget Deficit and Trade Balance in Iran within the framework of a Dynamic Structural Macroeconomic Model. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 15 (2), 137-156 (In Persian).
- Azzimonti, M., Francisco, E., & Quadrini, V. (2011). *Financial Globalization and the Raising of Public Debt*, (No. 2011-03).
- Bala, B., Parameswar, N., and Cheick, W. (2013). Export Stagnation and Budget Deficits in the Peripheral EU Nations with EMU Membership. *the Journal of Economic Asymmetries* 10, 94-100.

8. World Trade Organization
9. Eurasian Economic Union
10. Economic Cooperation Organization

- Balassone, F., Daniele F., and Stefania, Z. (2006). EMU Fiscal Indicators: A Misleading Compass. *Empirica*, 33(2-3), 63-87.
- Barro, R. (1979). On the Determination of the Public Debt. *Journal of Political Economy*, 87, 940-71.
- Bartolini, L., & Drazen, A. (1997). Capital-account Liberalization as a Signal. *American Economic Review*, 87 (1), 138-154.
- Baunsgaard, T., & Keen, M. (2010). Tax Revenue and (or?) Trade Liberalization. *Journal of Public Economics*, 94 (9-10), 563-577.
- Bretschger L, Hettich F. (2002). Globalisation, Capital Mobility and Tax Competition: Theory and Evidence for OECD Countries. *European Journal of Political Economy*, 18, 695-716.
- Caliendo, M., & Kopeinig, S. (2005). Some practical guidance for the implementation of propensity score matching: Discussion paper series 1588. *The Institute for the Study of Labour (IZA)*, Bon, Germany.
- Caliendo, M., & Kopeinig, S. (2008). Some practical guidance for the implementation of propensity score matching. *Journal of economic surveys*, 22(1), 31-72.
- Cameron, D. R (1978). The Expansion of the Public Economy: A Comparative Analysis. *the American Political Science Review*, 72(4), 1243-1261.
- Dadgar, Y., Nazari, R. (2008). The Impact of Globalization of Trade on the Size of Government in Iran. *Iranian journal of trade studies Quarterly*, (48), 1-38. (In Persian).
- Dharmapala, D., & Hines Jr, J. R. (2009). Which countries become tax havens? *Journal of Public Economics*, 93(9-10), 1058-1068.
- Dreher, A. (2006). Does Globalization Affect Growth? Empirical Evidence from a New Index. *Applied Economics*, 38(10), 1091-1110.
- Epifani, P. & Gancia, G. (2009). Openness, Government Size and the Terms of Trade. *Review of Economic Studies*, 76, 629-668.
- Elston, J, A., Hofler, R., & Lee, J, (2011). Dividend Policy and Institutional Ownership: Empirical Evidence Using a Propensity Score Matching Estimator. *Journal of Accounting and Finance*, 11, 89-102.
- Filsaraei, M. (2015). Introduction to the matching method of homogenization based on orientation scores (PSM) in Financial, Economics and Accounting Research. *Economic Journal*, (5-6), 5-22 (In Persian).
- Frölich, M. (2007). Propensity score matching without conditional independence assumption—with an application to the gender wage gap in the United Kingdom. *The Econometrics Journal*, 10(2), 359-407.
- Garen J., Trask K. (2005). Do More Open Economies Have Bigger Governments? Another Look. *Journal of Development Economics*, 77, 533-551.
- Garrett, G. (2001). Globalization and Government Spending around The World. *Studies in Comparative International Development*, 35(4), 3-29.

- Garrett, G. and Mitchell, D. (2001). Globalization, Government Spending and Taxation in the OECD. *European Journal of Political Research*, 39, 145-170.
- Gemmell, N., Kneller, R. & I. Sanz (2008). Foreign Investment, International Trade and the Size and Structure of Public Expenditures. *European Journal of Political Economy*, 24(1), 151-171.
- Golkhandan, A. (2015). Globalization and the Size of Government: Testing Rodrik's Hypothesis Test. *Journal of Strategic and Macro Policies*, 10, 39-62 (In Persian).
- Gorji, E and Alipourian, M. (2006). The Effect of Trade Liberalization on Economic Growth in OPEC Countries. *Iranian journal of trade studies Quarterly*, 40, 187 -203 (In Persian).
- Gourinchas, P. O., & Jeanne, O. (2005). Capital Mobility and Reform. IMF Manuscript. *Washington: International Monetary Fund*.
- Irwin, T. C. (2015). Defining the Government's Debt and Deficit. *Journal of Economic Surveys*, 29(4), 711-732.
- Jafarisimimi, A., Karimi potanllar, S and Montazari Shourkchali, J. (2017). Government Debt Sustainability in Iran: Evidence from a Threshold Regression Model. *Quarterly Journal of Economics and Modelling*, 8(30), 31-61.
- Karimi-Potanlar, S., Ghaderi, S., Sangin-Abadi, Bahram. (2010). The effect of Trade and financial globalization on the size of government in Iran. *Quarterly Journal of New Economy and Trade*, 21-22, 145-164. (In Persian).
- Keshavarz Haddad, G.Reza. (2016). *Micro Econometric Data and Policy Evaluation*. First Edition, Tehran: Publishing Nay (In Persian).
- Kittel, B., and Winner, H. (2005). How reliable is Pooled Analysis in Political Economy? The globalization welfare state nexus revisited. *European Journal of Political Research*, 44 (2), 1-24.
- Kossari. (2016). The Effect of Foreign Direct Investment on the Budget Deficit in the Economy of Developing Countries. Fourth International Conference on Research in Management, Economics and Accounting, Berlin, Germany (In Persian).
- Milanovic, B. (2016). *Global in Equality: A New Approach for the Age of Globalization*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Nautet, M., & Van, M., L. (2011). Economic Impact of the Public Debt. *Economic Review*, 2, 7-19.
- Nguyen, V, C. (2012). Selection of Control Variables in Propensity Score Matching: Evidence from a Simulation Study.
- Obstfeld, M, (1998). The Global Capital Market: Benefactor or Menace? *Journal of Economic Perspectives*, 12, 9-30.
- Piketty, T. (2014). *Capital in The Twenty-First Century, Translated by Arthur Gold hammer*. The Belknap Press of Harvard University Press.

-
- Rodrik, Dani. (1998). Why do more open economies have bigger governments? *Journal of political Economy*, 106(5), 997-1032.
 - Sadeghi, H., Samati, M & Sameti, M. (2011). The Impact of Economic Globalization on the Size of Government; Study of Asian Countries. *Journal of Economic Growth and Development Research*, (6), 209-249 (In Persian).
 - Salmani, B., Mohammadzadeh, P & Aslani Nia, N. M. (2013). The Effect of Trade Openness on the Size of Government: The Case of Developing Countries. *Applied Theories of Economics*, 1(1), 52-72 (In Persian).
 - Sayyid Ali Akbar, S. S. (1391). The European Monetary Union: Past Successes and Current Problems. *Review of Economic Issues and Policies*, 1, 85-92 (In Persian).
 - Shahbaz, M., Rehman, H., & Amir, N. (2010). The Impact of Trade and Financial Openness on Government Size: A Case Study of Pakistan. *Journal of Quality and Technology Management*, 6, 105-118.
 - Stiglitz, J. (2000). Capital Account Liberalization, Economic Growth, and Instability. *World Development*, 28(6), 1075-1086.
 - Summers, L. H. (2000). International financial crises: causes, prevention, and cures. *American Economic Review*, 90(2), 1-16.
 - Tayebi, S.K & Fakhri, M. (2010). the effects of globalization and international trade on entrepreneurship development Case Study: Countries (OECD). *Journal of Entrepreneurship Development*, 3 (9), 37-54.
 - Tayebnia, A & Zandieh, R. (2009). The Impact of the Globalization Process on Inflation in Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 13 (88), 53-96 (In Persian).
 - Todd, P. A., Briers, R. A., Ladle, R. J., & Middleton, F. (2006). Phenotype-environment matching in the shore crab (*Carcinus maenas*). *Marine Biology*, 148(6), 1357-1367.
 - Wei, S. J., & Tytell, I. (2004). *Does financial globalization induce better macroeconomic policies?* (No. 4-84). International Monetary Fund.
 - Zhao, Z. (2004). Using Matching to Estimate Treatment Effects: Data Requirements, Matching Metrics, and Monte Carlo Evidence. *The Review of Economics and Statistics*, 86. 91-107.